روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# روزنامه شرق

دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ • ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ • ۲ نوامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۱۶ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۷ • اذان صبح فردا ۵:۰۳ • طلوع آفتاب ۶:۲۸



همزمان با فعالیت سامانه بارشی در خوزستان، نخستین بارش مؤثر پاییزی در اهواز آغاز شد. باران پس از هفته‌ها گرما و تداوم شرایط خشک، به خیابان‌ها و معابر شهر طراوت بخشید و شهروندان ساعاتی را در هوای بارانی پاییز سپری کردند. عکس: مونا صیافی‌زاده، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

آمارخوانی

## در فضای مجازی ایرانی چه می‌گذرد

مرکز ملی فضای مجازی به روال ماه‌های گذشته، آماری در زمینه تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی ایرانی منتشر کرده است. هرچند این آمار چنده میلیونی هستند اما یک نکته قابل توجه است و آن نسبت پایین تولید محتوا در این شبکه‌ها به نسبت دارندگان تلفن هوشمند در ایران است.

آن‌طورکه یک فعال حوزه ارتباطات، اردیبهشت‌ماه در رویداد «تاب‌آوری دیجیتال و مواجهه هوشمند با بحران‌ها و تهدیدات ترکیبی» اعلام کرده است: «برآوردها نشان می‌دهد از جمعیت حدود ۹۰ میلیونی کشور، نزدیک به ۶۵ میلیون نفر کاربر فعال در فضای مجازی هستند. از این میان، برخی اپلیکیشن‌های پرنصب داخلی مانند «دیوار» نیز نزدیک به همین تعداد کاربر دارند».

حالا طبق بررسی، ایتا با تولید ۲۹.۵ میلیون محتوا و برخورداری از ۱۷۶ هزار کانال فعال، در صدر سکوها از نظر حجم تولید محتوا قرار دارد و ۱۷.۹ میلیارد بازدید را ثبت کرده است. روبیکا نیز با ۲۷ میلیون محتوا و ۱۶۵ هزار کانال فعال، رتبه دوم تولید محتوا را به خود اختصاص داده اما از نظر بازدید با ثبت ۴۸ میلیارد بازدید، پیشتاز سکوهای ایرانی است و به‌تنهایی ۵۵.۷ درصد از کل بازدیدها را در اختیار دارد. پیام‌رسان بله با وجود تولید ۱۲.۹ میلیون محتوا، توانسته ۱۶.۳ میلیارد بازدید ثبت کند و از نظر میزان بازدید به ایتا نزدیک شود. سروش‌پلاس نیز با ۶.۳ میلیون محتوا، ۱۸ هزار کانال فعال و چهار میلیارد بازدید، در میان چهار سکوی دارای شاخص بازدید، کمترین میزان فعالیت را داشته است.

بررسی میانگین بازدید به‌ازای هر محتوا نشان می‌دهد روبیکا با حدود ۱۷۷۸ بازدید، بیشترین میزان بازدید به‌ازای هر محتوا را در میان سکوهای داخلی دارد. بله با حدود ۱۲۶۴ بازدید در رتبه دوم قرار گرفته و پس از آن سروش‌پلاس با ۶۳۵ و ایتا با ۶۰۷ بازدید قرار دارند. از نظر میانگین تولید محتوا به‌ازای هر کانال فعال، سروش‌پلاس با حدود ۳۵۰ محتوا در صدر قرار دارد؛ رقمی که تقریبا دو برابر ایتا با ۱۶۸ و روبیکا با ۱۶۴ محتوا به‌ازای هر کانال است. بله نیز با میانگین ۱۳۶ محتوا در رتبه بعدی قرار می‌گیرد.

بررسی ترکیب محتوای پنج سکوی ایرانی در مهرماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد محور فرهنگی-اجتماعی در هر پنج سکو بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است؛ با این حال، میزان تمرکز بر این محور و جایگاه سه محور دیگر، یعنی نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک و اقتصادی، در سکوهای مختلف تفاوت قابل‌توجهی دارد.

در ایتا، بیش از نیمی از محتوا (۵۲.۱۳ درصد) به محور فرهنگی-اجتماعی اختصاص دارد. محور نظامی-امنیتی با ۲۳.۰۷ درصد در رتبه دوم قرار گرفته و پس از آن محور اقتصادی با ۱۴.۳۷ درصد و سیاسی-دیپلماتیک با ۱۰.۴۳ درصد قرار دارند. ایتا در میان پنج سکو کمترین سهم محتوای سیاسی-دیپلماتیک را دارد.

بله متوازن‌ترین ترکیب محتوایی را در میان پنج سکو نشان می‌دهد. سهم محور فرهنگی-اجتماعی در این سکو ۳۸.۱۳ درصد، اقتصادی ۲۴.۱۷ درصد، نظامی-امنیتی ۲۱.۶۹ درصد و سیاسی-دیپلماتیک ۱۶.۰۱ درصد است. بله تنها سکویی است که محور اقتصادی در آن جایگاه دوم را دارد و از نظر سهم این محور نیز در رتبه نخست قرار می‌گیرد.

در روبیکا، محور فرهنگی-اجتماعی با ۳۹.۳۳ درصد در صدر قرار دارد و پس از آن محور نظامی-امنیتی با ۲۸.۳۷ درصد، سیاسی-دیپلماتیک با ۱۹.۱۹ درصد و اقتصادی با ۱۳.۱۱ درصد قرار گرفته‌اند. روبیکا در مقایسه با سایر سکوها بیشترین سهم محتوای نظامی-امنیتی را دارد.

سروش‌پلاس با اختصاص ۶۳.۵۱ درصد از محتوای خود به محور فرهنگی-اجتماعی، بیشترین تمرکز را بر این حوزه دارد. سهم این محور بیش از ۳.۵ برابر محور نظامی-امنیتی با ۱۷.۵۴ درصد است. محورهای سیاسی-دیپلماتیک و اقتصادی نیز به‌ترتیب ۱۱.۴۸ و ۷.۴۷ درصد از محتوای این سکو را تشکیل می‌دهند.

مقایسه چهار محور نشان می‌دهد اگرچه فرهنگی-اجتماعی در همه سکوها محور غالب است، اما الگوی محتوایی سکوها در سه حوزه دیگر یکسان نیست. روبیکا و ایتا سهم بیشتری از محتوای خود را به موضوعات نظامی-امنیتی اختصاص داده‌اند و بله از نظر سهم محتوای اقتصادی پیشتاز است.

شبکه‌خوانی

## تاکسی اینترنتی گفت‌وگویی که ساکت شد

محمد آقاسی

زمانی برای سوارشدن به تاکسی، علاوه بر داشتن پول خُرد، باید حرفی برای گفتن یا اعصابی برای شنیدن می‌داشتیم. تاکسی جایی بود که امکان صحبت غریبه‌ها با یکدیگر فراهم می‌شد. نه در همه تاکسی‌ها، اما معمولا بحث‌هایی بود که از ترافیک شروع می‌شد، به قیمت‌ها، گرانی و نقد دولت می‌رسید. حتی گاهی هم به درددل‌هایی می‌رسید که به هیچ دوستی نگفته بودیم. دلیلش ساده بود. کسی که قرار نیست دوباره ببینیمش، امن‌ترین شنونده است. تاکسی جزء جاهایی بود که جامعه، میان دو ایستگاه، با خودش حرف می‌زد. کدام‌مان راننده‌ای را به یاد نداریم که سر یک چراغ قرمز، بی‌مقدمه از دغدغه فرزندش گفت و ما، بی‌آنکه بخواهیم، تا آخر مسیر گوش دادیم؟ الان، سوار تاکسی که می‌شویم، اپلیکیشن هم مسیر و هم قیمت را می‌داند. گاهی حتی راننده سلام نمی‌کند یا جواب سلام نمی‌دهد. از دوره کرونا، و بعدها هم به خاطر عادت راننده‌ها، این‌طور مرسوم شد که مسافر روی صندلی عقب بنشیند. روی صندلی جلو و کنار راننده هم معمولا یک بطری آب، دارو، کاپشن یا شارژر قرار گرفت. مسافر و راننده تا مقصد ساکت هستند. او به مسیر نگاه می‌کند و ما با گوشی کار می‌کنیم. چرا سکوت؟ دلیل اول این است که اپلیکیشن، گفت‌وگوهای ناگزیر را حذف کرده است. پیش‌تر باید می‌گفتیم کجا می‌رویم، برای کم‌کردن کرایه چانه می‌زدیم و درباره بهترین مسیر و تجربیاتمان از مسیر دیگر، نظر می‌دادیم. همین سه گفت‌وگوی کوچک، دری برای حرف‌های بیشتر باز می‌کرد. حالا همه‌چیز از پیش معلوم است.

دلیل بعدی امتیاز است. راننده و مسافر مشغول سنجیدن یکدیگر برای امتیاز هستند. نه اینکه مشکلات زندگی ندارند، بلکه برای ادامه زندگی به این کار نیاز دارند. مسافر راننده را و راننده مسافر را از جهت رفتاری می‌کاود و این رابطه با ستاره تمام می‌شود. گویی دو حسابرس با یکدیگر هم‌مسیر شده‌اند. اظهارنظری ناخوشایند، شوخی نابجا، یا حتی سکوتی که بد معنا شود، ستاره‌ها را تغییر می‌دهد. حالا ساکت می‌مانیم تا امن بمانیم. دلیل سوم شاید ترس باشد، هرچند کمتر گفته می‌شود. غریبه تاکسی اینترنتی، دیگر کاملا غریبه نیست. چراکه نام، عکس و مسیرش ثبت شده است. در دوره‌ای که هر جمله می‌تواند ضبط یا اسکرین‌شات شود، آدم دو بار فکر می‌کند که چه چیزی را به کسی بگوید که نامش را می‌داند. صدالبته نگاه منصفانه آن است که همیشه هم سکوت، به ضرر نیست. برای خانمی که به تنهایی سوار تاکسی اینترنتی شده، سکوت امنیت است. برای راننده‌ای هم که ساعت‌ها پشت فرمان بوده، سکوت آرامش است.

به هرصورت این سکوت بهایی دارد. تاکسی از معدود جاهایی بود که ناچار می‌شدیم با آدمی از طبقه‌ای دیگر، شهری دیگر یا نسلی دیگر حرف بزنیم. دانشجویی که راننده شده، پیرمردی که شهر را در چند دهه دیده، یا هر کسی که زندگی‌اش با ما فرق دارد. هرکدام پنجره‌ای به جهانی غیر از جهان ما بودند. وقتی این پنجره بسته شود، هرکس بیشتر در حباب خودش می‌ماند و از حال و روز دیگران بی‌خبرتر می‌شود. ما هنوز کنار هم نشسته‌ایم، اما کمتر از هم می‌دانیم و می‌شنویم. شاید بیش از مسافر، این راننده است که تنها شده. او ساعت‌ها در میان جمع است و با هیچ‌کس نیست. گوش‌دادن به رادیو در میان راننده‌ها هم کمتر شده و گاهی در روز جز صدای مسیریاب، صدایی نمی‌شنود. راننده‌ای که احتیاط می‌کند بپرسد که امروز چطور بوده، تا مبادا ستاره‌ای از دست بدهد. دیگر بعد از سفرهای شهری که در انبوه ترافیک طولانی‌تر شده، چیزی گنگ در دل می‌ماند که نه ناراحتی و نه رضایت است. حس اینکه کسی کنارمان بود و هیچ او را نشناخته‌ایم. در پایان سفر، هر دو پنج ستاره می‌دهیم، به کسی که او را هیچ نشناخته‌ایم.

# فاصله معنادار ایران با پیشرفت‌های درمانی سکته مغزی



بابک زمانی
نورولوژیست

امسال روز جهانی سکته مغزی در حالی فرا رسید که کشور ما و بخش‌هایی از منطقه و جهان زیر سایه جنگ، جنگ انسان با انسان، قرار دارند. اما این هراس هیچ‌گاه نتوانست به تمامی بر آن جنگ دیگر، جنگ بزرگ‌تر، جنگ انسان با طبیعت، سایه بیندازد. پزشکان و بخش‌های سلامت، زیر سنگین‌ترین فشارهایی که عمدتا ناشی از جنگ حقیر بود و همه‌چیز را بیش از پیش به خود اختصاص می‌داد، بی‌کمترین دستمزد و چشمداشت و در قالب خدمات دولتی، توانستند درمان سکته مغزی را با انتقال سریع بیماران (توسط اورژانس کشوری) درمان به‌موقع، افزایش اطلاع‌رسانی عمومی و ارتقای دانش پزشکی در این زمینه و با درخواست‌های مکرر برای تهیه امکانات، ادامه دهند و پیش ببرند. اما درمان سکته مغزی در سطح جهان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پیشروترین درمان‌ها در تمام طب، حتی یک لحظه درنمی‌ماند و هر لحظه فاصله خود را با ما بیشتر و بیشتر می‌کند. در آستانه سال ۲۰۲۷، پیشرفت‌های جهان در درمان سکته مغزی بی‌نظیر و باورنکردنی هستند:

- دارویی که می‌بایست به مدت یک ساعت به‌تدریج تزریق می‌شد، تبدیل به دارویی با دوز نصف و تزریق وریدی سریع شده است. این به معنای یک ساعت کاهش زمان درمان در همه بیماران است و از آنجا که در هر دقیقه پس از سکته مغزی میلیون‌ها سلول از بین می‌روند، اهمیت ویژه‌ای دارد.
- تهیه و تولید سی‌تی‌اسکن پرتابل برای نصب در هر جا (اتوبوس، مینی‌بوس و آمبولانس) و توزیع هرچه بیشتر آمبولانس‌های دارای سی‌تی‌اسکن، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه.
- تصویربرداری‌های بسیار پیشرفته از مغز و عروق مغزی باعث درمان‌های بسیار دقیق‌تر مداخله‌ای در ساعات اول سکته مغزی و گشودن پنجره‌های زمانی برای این درمان‌ها در ساعات دیرتر شده است.
- داروهای جدید در پیشگیری از سکته مغزی، با عوارض بسیار کمتر و اثرات بیشتر، در راه هستند و به نظر می‌رسد به‌زودی درمان پیشگیرانه از انحصار داروهای ضد پلاکت و ضد لخته خارج شود.

پیشرفت‌های درمان سکته مغزی در سال پیش‌رو، وظایف مهمی پیش پای همه ما قرار می‌دهد:

- متخصصان مغز و اعصاب و انجمن‌های نورولوژی، به‌عنوان کسانی که بیشترین اطلاع را از این پیشرفت‌ها دارند، باید بیش از پیش در درخواست و پیگیری [این امکانات] کوشا باشند.
- مسئولان و کاربه‌دستان، به‌خصوص اگر شماره و سوگند نظام پزشکی در سی‌وی خود دارند، باید مدرن‌ترین درمان‌ها را برای مردم خود تدارک ببینند.
- جامعه پزشکی، به‌خصوص متخصصان بهداشت و پزشکی اجتماعی و اقتصاد سلامت، باید اهمیت این درمان‌ها در زمان مناسب را در درمان‌های پایه کشور و پیشگیری از بسیاری عوارض و بیماری‌های دیگر روشن سازند.
- مردم، فرهیختگان و انسان‌های دانش‌بنیان باید در اطلاع‌رسانی عمومی با هر وسیله‌ای کوشا باشند و با خرافات در این زمینه‌ها مقابله کنند. تردید نباید کرد؛ دانش بیشتر، مسئولیت بیشتر می‌آورد. آن که می‌بیند، بیش از آن که نمی‌بیند، مسئولیت دارد؛ البته تنها تا زمانی که نمی‌بیند.

تحلیل‌خوانی

# خیابان ایرانشهر؛ رقص زندگی یا سوگ پنهان؟

عباس کاظمی جامعه‌شناسی است که مشاهداتش را در کانال خود می‌نویسد. او به اتفاقاتی که زیر پوست شهر رخ می‌دهد و این بار به خیابان ایرانشهر و مواجهه جوانان با موضوعات، پرداخته است. در این نوشته آمده است: «تهران شهر عجیبی است؛ شهری که در فاصله‌ای نه‌چندان دور، جهان‌های اجتماعی متفاوت و گاه متضاد را کنار هم می‌شود دید. دیروز عصر برنامه من از کتابسرای راوی (باغ فردوس) آغاز شد؛ جایی که به مناسبت ۷۰سالگی امیرحسن چهلتن، رمان‌نویس برجسته، درباره کتاب‌ها و روایت‌های او از تهران و تحولات این شهر گفت‌وگو می‌کردیم. جمعیت قابل توجهی از میانسالان و بزرگسالان در آنجا حضور داشتند. از آنجا به سمت گالری ثالث رفتم و سپس جمعیت خیابان کریمخان مرا به سمت ایرانشهر سوق داد. آنجا با صحنه کاملا متفاوتی مواجه شدم: انبوهی از دختران و پسران جوان با لباس‌ها و آرایش‌های متفاوت، به مناسبت هالووین به خیابان آمده بودند. خیابان بسیار شلوغ بود؛ مملو از رفت‌وآمد، خنده، شادی، معاشرت و هیجان جمعی. کمی آن‌طرف‌تر، در میدان ولیعصر، جمعیت دیگری گرد هم آمده بودند: پرچم به دست، با حضور مداحان و سخنرانان و شکل و شمایل کاملا متفاوت با جمعیت باغ فردوس و خیابان ایرانشهر.

این هم‌زمانی و هم‌جواری، به نظرم یکی از جالب‌ترین تصاویر تهران امروز است. شهری که در آن شکل‌های متفاوتی از زندگی، سلیقه‌ها، باورها و تجربه‌های جمعی در کنار یکدیگر جریان دارند. اما این تنوع صرفا به معنای همزیستی آرام و بی‌مسئله این جهان‌های متفاوت نیست. به نظر می‌رسد در پس این تکثر، نوعی تنش و ستیز پنهان نیز وجود دارد که باید آن را جدی گرفت: از تفاوت‌های نسلی تا تفاوت‌های ایدئولوژیک و سبک زندگی.

به‌ویژه خیابان ایرانشهر و حضور جوانان در آن را نباید صرفا به یک اتفاق تفریحی یا فرهنگی تقلیل داد. در نگاه نخست، آنچه دیده می‌شود، قدم‌زدن، خرید، مد، لباس، استیکرها و کالاهای کوچک و به‌ظاهر غیرضروری است؛ کالاهایی که به سختی نام کالا به خود می‌گیرند و بیش از هرچیز بلاهت زندگی سیاسی و اقتصادی را در ایران هدف قرار داده‌اند. مجموعه‌ای از رفتارها و سبک زندگی که ممکن است در قالب مصرف و تفریح روزمره فهمیده شوند اما به نظرم پشت این شکل از حضور، معنایی سیاسی نهفته است. عجیب است اگر صرفا حضور جوانان را با مصرف غیرضروری و بی‌هدفی در زندگی روزمره نسبت دهیم. برای فهم این وضعیت باید به تجربه اعتراضات ۱۴۰۱ و دی‌ماه ۱۴۰۴ برگردیم. نسلی که آن تجربه‌ها را از سر گذرانده، دیگر نمی‌تواند صرفا در چارچوب الگوهای معمول زندگی روزمره دیده شود. شاید آنچه امروز در خیابان ایرانشهر می‌بینیم، از آن تجربه‌ها جدا نباشد، بلکه صورت دیگری از همان مواجهه با محدودیت‌های زندگی باشد.

نکته تأمل‌برانگیزتر برای من، نسبت شادی و سوگ در این صحنه است. در حالی که در شماری از شهرهای اروپایی اعتراضات نسل زد جریان دارد، نسل زد ایرانی فعلا در نوعی آرامش و سرخوشی ظاهری به قدم‌زدن، تفریح و شادی مشغول است. اما آیا این شادی واقعا نشانه رضایت و سرخوشی است؟ شاید باید در خواندن این صحنه کمی درنگ کرد. به نظرم این شادی، در لایه‌های زیرین خود، حامل نوعی سوگ است؛ سوگ از دست رفتن زندگی، از دست رفتن امکان زیستن و تجربه زندگی‌ای که این نسل خود را از آن محروم می‌بیند. گویی جوانان، سوگ خود را در لباس شادی به نمایش می‌گذارند. ما پیش‌تر نیز صورت معکوس این وضعیت را تجربه کرده‌ایم. اکنون شاید با صورت دیگری از همین وضعیت مواجهیم: اگر آن روز سوگ در هیئت شادی ظاهر می‌شد، امروز شادی جوانان می‌تواند حامل سوگی پنهان باشد».

یادداشت

# ضرورت تأسیس بنیاد زبان و ادبیات بلوچی

مهراب طوقی
فعال اجتماعی

زبان تنها مجموعه‌ای از کلمات و قواعد دستوری نیست؛ زبان کالبد حیات یک فرهنگ و حافظه جمعی مردم است. هر زبانی، جهان‌بینی خاص خود را دارد؛ شیوه‌ای از احساس‌کردن و تعامل با هستی. در این میان، توازن میان «یکپارچگی ملی» و «تنوع فرهنگی» یکی از چالش‌های بنیادین جوامع مدرن است. حفظ زبان‌های اقوام ایرانی نه یک تهدید برای وحدت، بلکه تضمین‌کننده غنای فرهنگی یک سرزمین و عاملی برای پایداری اجتماعی است. زبان بلوچی، با آن پیشینه کهن و گستردگی جغرافیایی در مناطق بلوچ‌نشین ایران (استان‌های سیستان‌وبلوچستان، جنوب کرمان، شرق هرمزگان و برخی شهرهای خراسانات و گلستان)، با چالش‌هایی در زمینه استانداردسازی نوشتار، تولید محتوای علمی و آموزش نظام‌مند مواجه است. وقتی یک زبان از چرخه آموزش و تولید دانش حذف شود، نه‌تنها کلمات، بلکه دانش بومی، حکمت‌ها، اشعار محلی و پیوندهای تاریخی آن قوم نیز در معرض فراموشی قرار می‌گیرند. تأسیس یک نهاد تخصصی و مستقل در راستای اصل ۱۵ قانون اساسی با هدف حفظ و ارتقای زبان بلوچی، یک ضرورت استراتژیک است. این بنیاد می‌تواند وظایف و اهداف زیر را بر عهده بگیرد:

۱. **استانداردسازی و تدوین نوشتار:** ایجاد یک رسم‌الخط نوشتاری واحد، منسجم و علمی که هم برای آموزش و هم برای تولیدات ادبی و رسانه‌ای قابل استفاده باشد. ۲. **تولید محتوای آموزشی و علمی:** تبدیل زبان بلوچی از یک زبان گفتاری به یک زبان «علمی و نوشتاری» از طریق تدوین کتب درسی، فرهنگ‌نامه‌های تخصصی و واژه‌نامه‌های چندزبانه. ۳. **حمایت از ادبیات معاصر و کلاسیک:** بازشناسی آثار کهن و حمایت از نویسندگان و شاعرانی که در مسیر حفظ هویت زبان بلوچی تلاش می‌کنند. ۴. **دیجیتالی‌سازی زبان:** ورود زبان بلوچی به فضای مجازی و توسعه ابزارهای دیجیتال (مانند کیبوردهای استاندارد و نرم‌افزارهای ترجمه) برای تعامل نسل جوان با زبان مادری. ایران بزرگ سرزمینی است که از تنوع زیستی و فرهنگی آن نشئت می‌گیرد. حفظ زبان‌های اقوام مختلف (بلوچ، کرد، ترک، عرب، ترکمن و...)، در واقع حفظ «تنوع فرهنگی» ایران است. یک کشور که زبان‌های خود را در آغوش می‌گیرد، نه‌تنها از درگیری‌های هویتی پیشگیری می‌کند، بلکه از ظرفیت‌های خلاقانه و دانش بومی هر قوم برای توسعه ملی بهره می‌برد. تکثر زبان‌ها، نشانه قدرت یک تمدن است، نه نشانه ضعف. زمانی که یک زبان قومیت، جایگاه علمی و اجتماعی خود را در ساختار کشور بیابد، احساس تعلق ملی در میان آن قوم تقویت شده و این خود، زیربنای اصلی ثبات و توسعه است. تأسیس بنیاد زبان و ادبیات بلوچی و اعطای مجوز توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی گامی است در جهت تقویت وحدت ملی و برآورده‌شدن مطالبه دیرینه دانشگاهیان و فرهنگ‌دوستان بلوچ؛ گامی که در آن زبان نه یک مانع، بلکه پلی برای درک عمیق‌تر هویت ایرانی و انسانی خواهد بود.

## ۲۰۳ مسافر

کشتی تفریحی مسکونی «اودیسه» هفته پیش به علت هزینه بالای سوخت فعالیت خود را در کامبوج متوقف کرد و شرکت آمریکایی اداره‌کننده آن از مسافران خواست کشتی را ترک کنند. شرکت دارنده کشتی در بیانیه‌ای اعلام کرد در حال شناسایی و فراهم‌کردن «ترتیبات اقامت موقت» برای ساکنان کشتی اودیسه است. این کشتی ظرفیت پذیرش ۶۵۰ نفر را دارد، اما یک مقام کامبوجی اعلام کرد هنگام توقف فعالیت آن، ۲۰۳ مسافر و ۱۵۶ خدمه در کشتی حضور داشتند. تعدادی از مسافران پیش‌تر از طریق پرواز کامبوج را ترک کرده‌اند و برخی دیگر نیز در شهر بندری سیهانوکویل در انتظار تعیین‌تکلیف وضعیت خود هستند.

## ۱۰.۹ درصد

مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت با اعلام عبور هم‌زمان نسبت نمونه‌های مثبت آنفلوانزا و کووید-۱۹ از آستانه هشدار بالا برای دومین هفته متوالی، نسبت به ضرورت تشدید اقدامات پیشگیرانه هشدار داد. دو پاتوژن تنفسی در هفته سی‌ودوم سال جاری (منتهی به نهم آبان)، نسبت موارد دارای علائم عفونت‌های تنفسی در مراجعان سرپایی و بستری به ترتیب «ثابت» و «افزایش قابل توجهی» نسبت به هفته گذشته یافته است؛ به نحوی که ۸.۷ درصد از مراجعین سرپایی دارای علائم شبه‌آنفلوانزای آی‌ال‌آی و ۱۳.۳ درصد از مراجعین بستری دارای علائم تنفسی شدید ساری هستند. میزان عفونت‌های تنفسی مراجعان سرپایی و بستری در هفته گذشته به ترتیب ۸.۶ و ۱۰.۹ درصد بود.

## ۸.۶ میلیون تومان

پس از مسکن، خوراک دومین بخش سنگین بودجه است. برای محاسبه این بخش، از اطلاعات سبد معیشت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی استفاده شده است. براساس این اطلاعات که پیش‌تر در گزارشی از اقتصادنیوز مورد بررسی قرار گرفته، متوسط نیاز روزانه یک فرد بالغ ۲۴۱۹ کیلوکالری و نیاز ماهانه او ۷۲ هزار و ۵۷۰ کیلوکالری است. در بررسی هزینه تأمین این سبد در مهر ۱۴۰۵، متوسط مخارج خوراک یک نفر در تهران حدود هشت میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برآورد شده است؛ یعنی روزانه نزدیک به ۲۸۷ هزار تومان. این محاسبه بر خرید مواد غذایی و تهیه وعده‌ها در خانه استوار است و هزینه سفارش مداوم غذا از رستوران را شامل نمی‌شود.